

بررسی موانع تعامل اولیا با معلمان با تأکید بر جایگاه معلم، والدین و مدیریت مدرسه

مریم آمیقی رودسری^۱، دکتر فریدون شریفیان جزی^۲

^۱ کارشناس ارشد علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی صفهان
^۲ عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

چکیده

گام نخست فرآیند تربیت یا آموزش و پرورش عبارت است از برقراری رابطه و ارتباط؛ و گام پایانی آن عبارت است از اطمینان از قابل اعتماد بودن روابط و ارتباطات. ارتباط مؤثر و قوی بین خانه و مدرسه و افزایش مشارکت والدین امری ضروری است. همان طور که معلمان در امر آموزش مهارت دارند، به دانش و مهارت برقراری ارتباط مؤثر با والدین نیز نیازمندند. این ارتباط دارای موانعی است که در همسوسازی روش‌های آموزشی خانه و مدرسه نقش دارد. هر ارتباطی، صرف نظر از قالب و شکل آن باید با برنامه‌ریزی انجام شود و به عنوان فرضی برای گسترش مشارکت والدین و در نهایت حمایت از یادگیری دانش-آموزان مورد بهره‌برداری قرار گیرد. هر اندازه میزان مشارکت و تعامل اولیای خانه و مدرسه، برای تأمین شرایط مطلوب آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان بیشتر شود و این تعامل در جهت همسویی و هماهنگی پیش برود، شاهد رشد کمی و کیفی آموزش دانش‌آموزان خواهیم بود. این پژوهش سعی دارد ضمن بازشناسی موانع تعامل بین اولیا با معلمان، به ارائه راهکارها و پیشنهادات کاربردی در جهت تقویت ارتباط خانه و مدرسه بپردازد.

واژه‌های کلیدی: دوره ابتدایی، اولیا، معلمان، تعامل، خانه و مدرسه.

مقدمه

هماهنگی مدرسه و خانه در مسائل تربیتی و آموزشی، از جمله موضوعات مهم در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. در حالی که دیده می شود به علت عدم مراجعه والدین به مدرسه و یا بی توجهی مسئولان مدرسه در فراخوان اولیا، فعالیت های تربیتی خانه و مدرسه به تعارض می رسد. دوگانگی آموزش در خانه و مدرسه دانش آموز را دچار استیصال در درک و فهم صحیح مطالب درسی نموده و آموزگار را در مثلث آموزش، اولیا، دانش آموزان گرفتار می نماید. در صورتی که اگر هماهنگی و تبادل نظر وجود داشته باشد، بسیاری از مشکلات آموزشی و تربیتی به وجود نخواهد آمد. طراحی برای مشارکت اولیای دانش آموزان با مدرسه می تواند بخش جدایی ناپذیر برنامه ریزی آموزشی و مدیریت معلمان باشد. هر اندازه میزان مشارکت و تعامل اولیای خانه و مدرسه، برای تأمین شرایط مطلوب آموزشی و تربیتی دانش آموزان بیشتر شود و این تعامل در جهت همسویی و هماهنگی پیش برود، شاهد رشد کمی و کیفی بیشتر، تربیتی کارا تر و نسلی تربیت یافته تر خواهیم بود.

گام نخست فرآیند تربیت یا آموزش و پرورش عبارت است از برقراری رابطه و ارتباط؛ و گام پایانی آن عبارت است از اطمینان از قابل اعتماد بودن روابط و ارتباطات میان : خالق و مخلوق یا خدا و انسان، محصلان یا کودکان و نوجوانان، معلمان و محصلان، معلمان، محصلان و اولیا، مدرسه و جامعه، انسان و تکنولوژی، انسان و طبیعت. به عبارت دیگر چگونگی روابط و ارتباطات را می توان اساسی ترین، مهمترین و عینی ترین معیار شایستگی و موفقیت تربیتی هر مدرسه تلقی کرد. (شعاری- نژاد، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۰)

از مسائل اساسی آموزش و پرورش بسیاری از کشورهای جهان مسئله عدم وجود رابطه و ارتباطات نزدیک و صمیمی بین مدرسه و خانواده می باشد. سیستم آموزشی ما نیز اگر چه قدم هایی در از پیش پا برداشتن این مشکل در سال های اخیر برداشته است، از این عیب بزرگ مبری نشده است (میرکمالی، ۱۳۷۹: ۱۷۲). بدون شک عوامل بسیاری وجود دارد که از به وجود آمدن رابطه ای صمیمانه و شایسته با اولیای دانش آموزان جلوگیری می نماید؛ که این عوامل اغلب به زمینه ها و تجربیات قبلی معلمان و مسئولان مدارس و تصویری که آنان از اولیای دانش آموزان در ذهن خود دارند، مربوط می شود. در بین عوامل بی شمار بازدارنده، به بررسی موانع تعامل از جایگاه معلمان، اولیا و مدیریت مدرسه اشاره می شود.

الف) موانع تعامل از جایگاه معلمان :

- **کمبود اعتماد به نفس:** برخی از معلمان تازه کار، گاه در مقابل اولیای دانش آموزان به خصوص آنان که از دانش و تخصص بیشتری برخوردارند، رفتاری از خود نشان می دهند که ناشی از کمبود اعتماد به نفس در آنان است. مخصوصاً اگر مهارت کافی در امر تدریس نداشته باشند. البته رفتار متکبرانانه تعدادی از اولیا، که احساس می کنند چون در رشته ای تبحر دارند، بنابراین می توانند در همه چیز از جمله آموزش و پرورش و طرز تدریس معلم در کلاس، اظهار عقیده و خرده گیری نمایند، تردید و عدم اعتماد به نفس معلم را افزایش می دهد. در حالی که اگر معلم به رشته خود مسلط و شناخت و توجه کافی به روحیه یکایک دانش آموزان کلاس خود داشته باشد، بالاترین و بهترین مقام برای تصمیم گیری و اظهار نظر در امور مربوط به کلاس خویش می باشد و لازم است این موضوع برای خود وی و برای دیگران قطعی و مشخص باشد.

- **قدرت طلبی و احساس برتری:** قدرت طلبی و احساس برتری برخی از معلمان نسبت به دیگران، رفتار و گرایش های آنان را تحت تأثیر قرار می دهد، بنابراین سعی دارند در برابر والدین نیز نقش معلم را بازی کنند. البته لازم است معلمان کاردان نقش راهنمای اولیایی که به کمک نیازمندند، ایفا کنند اما آن آموزش متکی بر تفاهم، همدلی، صمیمیت و بهره گیری از همه امکانات و شرایط مدرسه، موضوعی کاملاً متفاوت است.
- **حالت دفاعی:** بعضی از مربیان که شناخت درستی نسبت به اولیای کودکان ندارند و از اثرات مفید همکاری و همفکری با اولیا بی خبرند، غالباً در مقابل آنان حالت دفاعی به خود می گیرند. و تصور می کنند والدین خیال دارند روش آنان را محکوم کرده و خرده گیری کنند.
- **جبهه گیری مدرسه و خانواده:** یکی دیگر از عواملی که از ارتباط صحیح و منطقی بین والدین و معلمان جلوگیری می کند، وجود جوی خصمانه در برخی از مدارس است که به ناچار آن مدرسه را به سازمانی منزوی، خشک، بی تحرک و بی فایده تبدیل می کند. در این مدارس، جبهه های کوچک و بزرگی وجود دارد که از عدم اعتماد، سوء ظن و بدبینی بین افرادی حکایت می کند که در آنجا به سر می برند. مسلماً چنین محیطی درهای مدرسه را برای همیشه به روی همه کسانی که می توانند قدمی در راه بهبود آن بردارند، بسته نگه می دارد (بازرگان، ۱۳۷۶: ۳۰-۲۷).

ب) موانع تعامل از جایگاه والدین:

- **نگرش ها و سواد والدین در مورد مشارکت والدین:** والدینی که معتقدند نقش آنها فقط وادار کردن بچه ها برای رفتن به مدرسه است، حاضر نخواهند بود به طور فعال با مدرسه مشارکت کنند. زمانی که والدین فکر می کنند، مشارکت والدین برای مدرسه یا معلم ارزشی ندارد، آنها کمتر با مدرسه همکاری می کنند. سطح سواد والدین نیز در دیدگاهشان مؤثر خواهد بود، که آیا آنها مهارت و دانش کافی دارند که با جنبه های مختلف مشارکت والدین تعامل کنند (حجت پناه و امانی و احراری، ۱۳۹۴: ۶۸۲). میزان سواد و برخورداری از آگاهی فرهنگی، با میزان همکاری و مشارکت والدین، نسبت مستقیم دارد و هرچه والدین از سواد و فرهنگ بالایی برخوردار باشند، بیشتر با مدرسه همکاری می کنند (قاسمی پویا، ۱۳۸۰: ۱۳۸). عدم آگاهی اولیا از نقش تعیین کننده و سرنوشت ساز خودشان در اعتلای آموزش و پرورش، فرهنگ، تعلیمات عمومی و بالاخره پیشرفت تحصیلی فرزندان یکی دیگر از علل عمده در عدم وجود ارتباطات صمیمی بین مدرسه و خانواده می باشد (میرکمالی، ۱۳۷۹: ۱۷۳).
- **عوامل خانوادگی:** شرایط خانوادگی، موقعیت های کاری والدین و سن بچه ها می تواند مانعی برای مشارکت والدین باشد. والدینی که هر دو شاغل هستند ممکن است زمان کمتری برای تعامل داشته باشند. پایین ترین سطح مشارکت والدین مربوط به دانش آموزان متوسطه و بالاترین سطح مشارکت والدین مربوط به دانش آموزان با سن پایین تر است.
- **مشکلات رفتاری:** زمانی که بچه ها به نمایش رفتار چالش برانگیز بپردازند، والدین به دلیل ترس از دریافت اخبار بدتر میلی به مشارکت و رفتن به مدرسه ندارند. در حقیقت، همیشه ارتباطی منفی بین مشارکت والدین و مشکلات رفتاری بچه ها وجود دارد (حجت پناه و امانی و احراری، ۱۳۹۴: ۶۸۲).
- **عوامل اجتماعی و فرهنگی:** کم علاقه ای به شرکت در امور اجتماعی و فرهنگی، درگیر شدن با زندگی روزمره و تلاش برای تأمین معاش، ترجیح دادن منافع فردی بر منافع گروهی، تأکید بر توفیق های مادی، کمبود تجربه زندگی

جمعی و مشارکتی، کمبود اعتماد متقابل، از جمله موانع اجتماعی و فرهنگی در این زمینه است (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰: ۱۳۶).

ج) موانع تعامل از جایگاه مدیریت مدرسه

- **عدم توانایی مدیریت مدارس در برقراری روابط انسانی لازم با اولیا:** عده زیادی از مدیران خود را نماینده دیوانسالاری مدرسه می‌دانستند و بدون آن که سازمان و خود را در خدمت جامعه و مردم بدانند، اولیا را موظف به تبعیت بی‌چون و چرای روش‌ها و دستورات خود می‌دانستند. آنها فکر می‌کردند که والدین صلاحیت دخالت در امور مدرسه را ندارند و قادر به تشخیص مصالح دانش‌آموزان و مدرسه نیستند. بدون شک چنین تفکری اجازه برقراری روابط حسنه را نمی‌داد.

- **شیوه غلط سازمان مدارس در برخورد با اولیا:** از همان روزهای آغاز پیدایش انجمن اولیا و مربیان، طبق یک عادت همه ساله مدیر مدرسه از اولیا دعوت به عمل می‌آورد و عده معدودی از اولیا در مدرسه جمع می‌شدند و پس از رأی‌گیری، بعضی از آنها به عنوان اعضای انجمن انتخاب می‌شدند. در همین جلسه مدیر تقاضای مالی خود را مطرح می‌کرد و بعضی از اولیا نیز با اکره مبلغ ناچیزی کمک کرده و جلسه تعطیل می‌شد. تا پایان سال تحصیلی جلسه انجمن اولیا و مربیان تشکیل نمی‌شد و غیر از امضای چند سند و چک توسط حسابدار یا رئیس انجمن، هیچ دخالت مؤثری از طرف اولیا در امور آموزش و پرورش اعمال نمی‌شد. اثر روانی این روابط نامطلوب و غلط تا آنجا پیش می‌رفت که اولیا با دیدن دعوتنامه مدرسه با تمسخر می‌گفتند می‌خواهند پول بگیرند. بدین ترتیب ضرورت حیاتی رابطه والدین و مدرسه تا حد گدایی چهره می‌شود (میرکمالی، ۱۳۷۹: ۱۷۳).

بنابراین همکاری والدین با مسئولان مدرسه، در دوره ابتدایی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. می‌توان گفت بعد اصلی همکاری این دو را همکاری در مسائل آموزشی و پرورشی تشکیل می‌دهد (ملکی، ۱۳۸۹: ۲۴۵). هدف آموزگاران و والدین در مورد بچه‌ها معمولاً یکسان است. هر دوی آنها می‌خواهند که یک فرد دانش‌آموز تا جایی که ممکن است و با حداکثر سرعت ممکنه و با حداکثر کارائی، یادگیری داشته باشد. لازمه‌ی این اتفاق ارتباط مستمر و مؤثر بین اولیا و آموزگار در محیط آموزشی می‌باشد. برقراری ارتباط مستمر و مؤثر از طریق شناخت موانع ارتباطی و رفع آنها و بازشناسی مهارت‌های ارتباطی بین اولیا و معلمان امکان‌پذیر خواهد شد.

پیشنهادات راهکارها

شکل‌گیری مثلث معلم، دانش‌آموز، اولیا، برای رسیدن به آموزش مطلوب اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. بنابراین بدیهی است که ضعف در هر یک از وجوه این مثلث باعث کاهش بازدهی فرایند آموزش خواهد شد. چنانچه ارتباط بین دانش‌آموز و اولیا حذف شود، دانش‌آموز احساس ناامنی و استرس کرده و بر آموزش تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین اگر ارتباط بین دانش‌آموز و معلم حذف شود، دانش‌آموز نسبت به درس بی‌انگیزه و بی‌علاقه شده و منجر به عناد وی می‌شود و نیز در صورتی که ارتباط بین اولیا و معلم کاهش یابد، دانش‌آموز دچار دوگانگی و سردرگمی می‌شود و آموزش به درستی تثبیت نخواهد شد. بنابراین

با محکم شدن این ارتباطات و همسو شدن آموزش می‌توان به نتیجه مطلوب رسید. بدین منظور برای دستیابی به یک روش آموزشی مشترک در برنامه درسی دانش‌آموزان، اولیا باید با معلمان تعامل داشته باشند و معلمان نیز جریان پیشرفت آموزشی و تربیتی بچه‌ها را به آنان گزارش دهند. جلب همفکری و همیاری اولیا از این طریق میسر است. همچنین، از طریق آموزش، والدین قادرند، یادگیری را تقویت کنند و مهارت‌های عملی یاد گرفته شده در مدرسه را در خانه نیز به کار گیرند. بنابراین تنها راه موفقیت، ایجاد هماهنگی مطلوب بین خانواده و مدرسه است که از طریق تعامل بین اولیا و معلمان شکل می‌گیرد. پیشنهادات کاربردی زیر می‌تواند در جهت بهبود روابط خانه و مدرسه مؤثر باشد :

۱. ارائه کارنامه‌های ماهیانه از وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان به اولیا.
۲. ارسال پوشه‌های کار دانش‌آموزان به خانه به صورت هفتگی یا ماهیانه.
۳. تهیه چک‌لیست والدسنجی تکالیف خانه و جمع آوری هفتگی چک‌لیست‌ها توسط معلم و تأثیردهی نظر اولیا در کارنامه ماهیانه دانش‌آموزان.
۴. تشکیل اتاق تعامل با هدف ارتباط بین اولیا با معلمان، اولیا با مشاور و اولیا با اولیا.
۵. تخصیص اتاقی به عنوان اتاق انتظار برای والدین و پذیرایی از آنها تا زمان ملاقات با معلمان.
۶. ایجاد محیط دوستانه با هدف جلب توجه و ترغیب اولیا به مشارکت و ارتباط با مدرسه.
۷. ارائه کارنامه‌ی فعالیت هفتگی شامل اهم فعالیت‌های کلاسی در هفته آینده.
۸. غنی‌سازی جلسات آموزش خانواده با ارائه نکات آموزشی و پرورشی مورد نیاز اولیا در مواجهه با مشکلات رفتاری و آموزشی دانش‌آموزان.
۹. تهیه فصلنامه آموزشی و پرورشی شامل:
 - اعلام رویدادهای مدرسه
 - یادآوری‌های مورد نیاز
 - نکات کار در خانه
 - معرفی دانش‌آموزان برجسته هفته
 - تقدیر و تشکر از خانواده‌های فعال در امور مدرسه
 - پیشنهادهایی برای تکمیل محتوای برنامه درسی در خانه
 - چاپ مقالات کوتاه تربیتی
 - نمونه‌هایی از نوشتار یا آثار هنری دانش‌آموزان
۱۰. بالا بردن اعتماد به نفس معلمان در برخورد با اولیا از طریق آموزش‌های ضمن خدمت.
۱۱. بالا بردن روحیه انتقادپذیری در معلمان و اولیا از طریق آموزش‌های ضمن خدمت و آموزش‌های خانواده.
۱۲. دعوت از والدین مشتاق و استفاده از همکاری و نظرات و پیشنهادات مفید و سازنده آنها.
۱۳. استفاده از پیام‌های کتبی، صوتی و تلفن، زمانی که دانش‌آموز رفتار یا پیشرفت مثبتی داشته باعث بهبود روابط اولیا با معلمان می‌شود.
۱۴. استفاده از نظرات اولیا کم سواد یا بی‌سواد در مورد رفتار دانش‌آموزان و تلاش برای رفع کامل مشکلات درسی این-گونه دانش‌آموزان.
۱۵. پرهیز از به‌کار بردن اصطلاحات تخصصی در ملاقات با اولیا.
۱۶. تشویق و ترغیب اولیا به ادامه تحصیل.
۱۷. تشکیل گروه حامی والدین با هدف پشتیبانی از والدین آسیب‌پذیر در رفع نیازهای اقتصادی و شغلی آنها.

۱۸. تعیین زمان جلسات ملاقات با اولیا به صورت قابل انعطاف، تا پدر و مادرهایی که در شیفت های کاری هستند بتوانند در جلسات شرکت کنند.
۱۹. تعیین زمان جلسه با برنامه ریزی قبلی و زمان از پیش تعیین شده.

منابع و مأخذ

- بازرگان، زهرا (۱۳۷۶)، *مدرسه ای دیگر...*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- حجت پناه، حسین، امانی، زهرا، احراری، عمادالدین (۱۳۹۴)، ارتباط خانه و مدرسه و چگونگی همکاری اولیا با معلمین، وب سایت رسمی همایش ملی مدرسه فردا.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۹)، *نقش معلم و مربی در توسعه ی روابط انسانی*، تهران: مجله رشد معلم، ۲۵۳.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۰)، *مشارکت های مردمی در آموزش و پرورش*، تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم تربیت.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹)، ارتباط خانه و مدرسه، مندرج در: *استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره ی ابتدایی*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- میرکمالی، سید محمد (۱۳۷۹)، *روابط انسانی در آموزشگاه*، تهران: یسپرون.